

«ج – دکتر خطیب رهبر: «...در دو نسخه ی جامع نسخ دیوان حافظ تأییف مسعود فرزاد دلق شططالی به جای دلق بسطامی آمده که شاید بر متن ترجیح داشته باشد... خرقة ی خودپسندی و ادعا و جانماز کشف و کرامت را که این صوفیان دستمایه فریب خلق کرده اند پس ازسیر و سیاحتی که در خانقاه ها کردیم به عنوان ارمان سفر برای وارستگیان مجرد [ زندان قلندر» بیاوریم.» ( شرح غزلیات ۵۰۹ (همان، ۱۱۵۰:۱۳۹۳)

قیصری می پرسد: «که قلندر یا به قول شارح «وارستگیان مجرد با این هدایا چه کنند.» (همان، ۱۱۵۰، ۱۳۹۳)

**۲- ۷- ۲- رند و قلندر شرح قیصری**
قیصری در یک نکته از این معنی در شرح بیت « بر در میکده زندان قلندر باشند...» ضمن جدا کردن رند و قلندر از یک دیگر صفت آزاد منشی را به آن افزوده است و آنان را حاشیه نشین میخانه قرار داده است:

« ۳ – حاشیه نشینان درگاه این میخانه، زندان و قلندران آزاد منشی هستند که با همین دست تپی از چنان قدرت معنوی برخوردارند که تاج سلطنت از سر پادشاهی بر می گیرند و بر تارک دیگری می نهند.»

(همان، ۱۰۵۰۳:۱۳۹۳)

**۲- ۸- رندان قلندر شفیعی کدکنی**
**۲- ۸- ۱- رندان قلندر در قلندریه**
**در تاریخ**

شفیعی کدکنی در قلندریه در تاریخ، ضمن واکاوی تبارشناسی این ترکیب « رندان قلندر» و چهره ی قلندر در آثار سنایی ( شفییعی کدکنی، ۳۰۲- ۳۰۶:۱۳۸۶) و در آثار عطار ( همان ۳۰۷- ۳۱۲:۱۳۸۶) و در دیوان شمس (همان، ۳۱۴ – ۳۱۹: ۱۳۸۶) و عراقی و راه قلندر ( همان ۳۲۰ –۳۲۳:۱۳۸۶) و

چهره‌ی قلندریه درشعر اوحدی مراغه‌ ای ( همان ۳۳۰ – ۳۲۴:۱۳۸۶) و عبید و قلندران ( همان ۳۳۱ – ۳۳۳:۱۳۸۶) و چهره ی قلندر در شعر حافظ، به این نکته ی درخشان میرسد که در شعر حافظ رند و قلندر به یکدیگر گره خورده و این گره خوردگی را در آثار سنایی و عطار سرچشمه یابی کرده و یک موتیف مرکزی و نوعی عنینیت میان رند و قلندر در سنت شعر فارسی به وجود آورده است و کاربرد موسیقایی و هنری ی رند را با بسامد بیشتر در تقابل با زاهد و تقابل چشمگیر تر از ترکیب زندان قلندر دانسته است.

شفیعی کدکنی در شرح این ترکیب در

قلندریه در تاریخ چنین گزارش می دهد:

وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر ذکر تسبیح ملک در حلقة ی زناز داشت شعر حافظ در تمام زمینه ها، تبلور عالی ترین تجربه های عرفانی و هنری قبل از اوست. شیوه ی بیان و اسلوب ترکیب را اگر از حافظ بگیریم چیزی برای او باقی نمی ماند و هنر چیزی جز اسلوب مگر می تواند باشد؟ وقتی ابوحنیفه خواندن قرآن را در نماز به زبان فارسی مجاز دانست هیچ کس بر او اعتراض نکرد الا زمخشری، بزرگترین اجرا کننده ی نظریات بلاغی عبدالقاهر جرجانی است. دلیلی که زمخشری برای ردّ نظریه ی ابوحنیفه آورد این بود که آنچه به زبان دیگری ترجمه شود، قرآن نخواهد بود زیرا در ترجمه « اسلوب» از میان می رود. اگر ازدیدگاه نظریه های مربوط به فلسفه ی زیبایی و جمال شناسی بنگریم حق با زمخشری است ترجمه ی قرآن، قرآن نمی تواند باشد، زیرا اسلوب قرآنی ندارد. حافظ تمام هنرش در اسلوب است و در مرکز اسلوب حافظ نوعی بیان نقیضی و پارادوکسی وجود دارد که من در چند جای دیگر درباره ی آن بحث کرده ام. ( موسیقی شعر، ۲۳۰ – ۴۳۶)

و در اینجا به هیچ روی قصد ورود به آن

## ادبی

پنجشنبه ۱ بهمن ۱۳۹۴ - ۱۰ ربيع الثاني ۱۴۲۷ - Jan 2۱, 2016 - سال بیست و یکم - شماره ۵۷۶

گونه مباحث را ندانم ولی از یاد آوری یک نکته تازکیرم و آن اینکه در این نظام هنری ی حافظ و اسلوب پارادوکسی ی او قلندر نقش بسیار والایی دارد. جای دیگر نشان داده ام که در هنر حافظ همه جا نوعی طنز ویژه حضور دارد. (شگردخت، ۳۰۱- ۳۱۱) و این طنز ویژه ی او سکه ای است که یک روی آن « تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدّین» تشکیک مید هد و روی دیگر آن تجاوزه را تابوها (taboo) است. در مرکز تمام شاهکارهای او، در قلمرو طنز، همه جا تجاوزه ی مجموعه ای از تابوها دیده می شود. اصولاً طنزی که ماندگار باشد و ارزش هنری داشته باشد به لحاظ معنی شناسی باید کارش هجوم بردن به تابوها باشد و ارزش هنری داشته باشد. تجاوزه حافظ به تابوی « زهد» و « زاهد» و « مدرسه» و « مسجد» و «خانقاه» و «شیخ» و دیگر مجموعه های وابسته به آن، وقتی به اوج میرسد که حافظ به ستایش نقطه های مقابل این مفاهیم می پردازد. از همان غزل آغاز دیوان شروع کنید و ببینید چه گونه به تابوهای گوناگون محیط عصر خود تجاوزه هنری می کند.

به می سجاده رنگین کن،گرت پیر مغان گوید تمام اجزای این تاریخ و این اسلوب شامت دست نایافتنی را از یک سوی « تصویر هنری اجتماع نقیضین» تشکیل می دهد و از سوی دیگر «تجاوزه هنری به مجموعه ای از تابوها»: سجاده را با می رنگین کردن آنهم به گفته پیرمغان، تمام اجزای این مصراع از پارادوکس شکل گرفته است و پیامی جز تجاوزه هنری به مجموعه ای از تابوها ندارد. این مصراع به تنهایی « عالم اصغر» دیوان حافظ است. همین یک مصراع است که در سراسر دیوان او، و در نقطه های اوج هنر او باز می شود، گسترش می یابد، چه به لحاظ نوع پیام و چه به لحاظ اسلوب بیان وقتی حافظ می گوید:

بر در میکده زندان قلندر باشند

که ستاند و دهند افسر شاهنشاهی

خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی اگر صورت ظاهر حیات قلندریّه و تاریخ ایشان را اندکی در ذهن داشته باشیم، متوجه بیان پارادوکسی او می شویم. اینجا تجاوزه حافظ به « تابوی سلطنت» و قدرت های مادی عصر است و وقتی می گوید:

سوی زندان قلندر به ره آورد سفر

دلق بسطامی و سجاده طامات بریم

نقدی هنری از رفتار صوفیان عصر خود می کند و صوفی در عصر او، خود، یک « تابو» است زیرا قدرت حاکم عصر یکی از تکیه گاههای خود را در نظام خائفا می جوید و پیوسته در جهت تقویت آن نظام است. خانقاه به لحاظ تابو شدگی، چیزی کم از مدرسه و مسجد ندارد و صوفی تحریل کمتر از حرمت زاهد و شیخ نیست، تجلیل از زندان قلندر، که آشکارا یا بر سر همه ی ارزش‌های زمانه زده اند، عملاً تجاوزه به مجموعه ای از تابوهاست که قدرت حاکم در اختیار دارد. تابوی مسجد، تابوی خانقاه، تابوی مدرسه، تابوی شیخ، تابوی زاهد، تابوی اخلاق رایج، جیزی صلاح پیشگی.» ( شفییعی کدکنی، ۲۳۴- ۳۳۶:۱۳۸۶)

شفیعی کدکنی در پایان این نوشته ضمن بازیابی تبار گره خوردگی رند و قلندر در آثار سنایی و عطار این نکته دقیق را در کار بست هنری حافظ از این دو واژه و در تقابل با زاهد و چشمگیر کردن این تقابل را چنین بیان می کند: « درشعر حافظ، «رند» و «قلندر» به یکدیگر گره خورده اند. البته باید توجه داشت که در شعر سنایی این واقعه ی ادبی اتفاق افتاد و از رهگذر سنایی و عطار این گره خوردگی به اوج کمال خود رسید و به عنوان یک موتیف مرکزی و فراسمی و نوعی عنینیت، میان رند و قلندر در سنت شعر فارسی به وجود آمد. شاید قبل از سنایی نیز شواهدی برای « عنینیت رند و قلندر بتوان یافت اگر بابا طاهرگفته باشد

« مو آن رندم که جایم بی قلندر» در قرن پنجم این وحدت رند و قلندر شاهدهی منظوم دارد. بر روی هم به دلایل موسیقایی و هنری حافظ « رند» را با بسامد بیشتری در شعر خود به کار گرفته است و همواره در تقابل با زاهد» ولی وقتی که می خواهیداین تقابل را چشمگیرتر کند از زندان قلندر سخن می گوید. ( همان، ۳۳۶- ۱۳۸۶)

## ۳ – نتیجه گیری

ترکیب زندان قلندر، یکی از ترکیب های کلیدی دیوان حافظ است، این ترکیب، باتوجه به کلمه ی رند و قلندر در دیوان حافظ در دو مرتبه می بینیم که گره خورده اند. علّت این گره خوردگی را در مکتب حافظ از مرتضوی پی کاوی کردیم- و دیدیم که او به این مفهوم نپرداخته است.

در کار رحیم ذوالنور، با تکیه از قول کشف درباره ی کلمه ی رند و قلندر جدا از یک دیگر نکته هایی ذکر شده بود.

در حافظ- نامه ی بهاء الدین خرمشاهی ضمن اینکه او از کلمه از یک دیگر جدا شده بودند دیدیم که ما را به منابعی گسترده حوالّت داد که در آن ها به کلمه ی رند و قلندر پرداخته بودند. هروی در شرح غزل های حافظ دیدیم که ترکیب زندان قلندر وارونه شده بود و قلندران رند به هیات درویشان رند آمده بود.

استعلامی در درس حافظ آن را یعنی ترکیب زندان قلندر را به صاحبان آزاد تغییر کرده بود. حمیدیان در شرح شوق، به جای پرداختن به کارکرد این ترکیب در مفهوم و کار بست هنری آن به سفر قلندران توجه کرده بود.

قیصری در شرح خویش، یک نکته از این معنی، فریادش از نقل قول ها بلند بود. آنان را حاشیه نشینان میخانه قرار داده است.

سرتاجم، علت گره خوردگی این دو کلمه رند و قلندر را در دیوان حافظ در قلندریه درتاریخ

## ۹

بررسی کردیم و دیدیم که شفییعی کدکنی، علت گره خوردگی این دو کلمه در کارهای هنری سنایی و عطار ... ریشه یابی کرده و یک موتیف مرکزی و نوعی عنینیت میان رند و قلندر را در سنت شعر فارسی نشان داده است و کاربرد طنز بار این واژه و کاربرد موسیقایی و هنری آن را در تقابل با زاهد در یک نقد هنری نشان داده است.

## منابع

- ↑ استعلامی، محمد، (۱۳۸۲). **درس حافظ**، جلد دوم، تهران: انتشارات سخن.
- ↑ حافظ، شمس الدین، (۱۳۶۹). **دیوان خواجه شمس الدین محمد شیرازی**، به اهتمام قزوینی – غنی، تهران: انتشارات زوار.
- ↑ حمیدیان، سینا، (۱۳۹۲). **شرح شوق**، جلد چهارم و پنجم، تهران: نشر قطره.
- ↑ خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۲). **حافظ نامه بخش اول و دوم**، تهران:علمی فرهنگی و صدا و سیما ی جمهوری اسلامی، چاپ پنجم.
- ↑ ذوالنور، رحیم، (۱۳۸۷). **در جستجوی حافظ**، جلد اول و دوم تهران: انتشارات زوار، چاپ پنجم.
- ↑ شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۶).
- ↑ **قلندریه در تاریخ**: انتشارات سخن.
- ↑ قیصری، ابراهیم، (۱۳۹۳). **یک نکته از این معنی**، جلد دوم، تهران: انتشارات جامی.

## پانویس

- ↑ این غزل از نسخه ی قزوینی – غنی آمده است.
- ↑ و این غزل از نسخه ی قزوینی – غنی، آورده شده است.
- ↑ شش بار کلمه « قلندر» بر بنیان فرهنگ واژه نمای حافظ، در دیوان یافت شده است.

۹۳/۱۲۰

برابر مقررات ماده ۱۲اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کشور و برایتی ماده ۵۹آیین‌نامه مذکور املاکی که در آگهی‌های سابق مجبوال‌المالک آگهی شده یا املاکی که در موقع ثبت عمومی شماره‌گذاری و اظهارنامه آن در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۴ مربوط به حوزه ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان داراب به جریان گذارده شده با ذکر شماره پلاک و نام خانوادگی و نام پدر و میزان سهام مالکیت و نوع ملک و مساحت ملک به شرح ذیل آگهی می‌شود:

۳۰/۱۲- قاسم رحبچر فرزند نصراله شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۲۹/۱۲ مترمربع پلاک ۳۰۱/۲ واقع در قطعه ۱ بخش ۱۲ فارس داراب ۶-۳- یغماپیکم خضرائی فرزند سید مصطفی شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۰/۴۸ مترمربع پلاک ۶۰۳ واقع در قطعه ۱ بخش ۱۲ فارس داراب

۶۴۵/۱۲- یارمحمد قدیری فرزند سلطانعلی شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۴/۵ مترمربع پلاک ۱۰۲/۶۴۵ واقع در قطعه ۱ بخش ۱۲ فارس داراب

۶۷۳/۳- خلیل کارگر حقیقی فرزند حبیب شش‌دنگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۷/۸۰ مترمربع پلاک ۶۷۳/۳ واقع در قطعه ۱ بخش ۱۲ فارس داراب

۱۰۶۶- حسین شجاع دارابی فرزند علی شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۳۲۷ مترمربع پلاک ۱۰۶۶ واقع در قطعه ۱ بخش ۱۲ فارس داراب ۱۶۲۳/۱- اسداله رستمی فرزند عسکر شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۵ مترمربع پلاک ۱/۲۳۳ واقع در قطعه ۱ بخش ۱۲ فارس داراب

۲- قطعه ۲۰۴۱/۲- زینت غریبی فرزند حسین شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۹۴ مترمربع پلاک ۱/۲۰۴۱ واقع در قطعه ۲ بخش ۱۲ فارس داراب

۸۷۴۵- علیرضا غفوری فرزند عبدالکریم شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۴۰/۵ مترمربع پلاک ۸۷۴۵ واقع در قطعه ۳ بخش ۱۲ فارس داراب

۸۷۴۹- صدیقه شیردل فرزند غلام شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۴۱/۵۰ مترمربع پلاک ۸۷۴۹ واقع در قطعه ۳ بخش ۱۲ فارس داراب

۲/۵- محمدحسین شکوهی فرزند جهان‌ویس شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۷۷۸۲ مترمربع پلاک ۸۸۰/۲/۵ واقع در قطعه ۴ بخش ۱۲ فارس داراب

برابر مواد ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت هر کس نسبت به رقبات نامبرده بالا واخواهی دارد و یا قبل از انتشار این آگهی اقدامه دعوی نموده که در داد گاه مطرح است می‌تواند دادخواست واخواهی یا گواهی مشعر بر طرح دعوی خود را ظرف مدت ۹۰ روز از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی به اداره ثبت اسناد و املاک داراب تسلیم و رسید دریافت نماید معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره دادخواست به مراج قضایی تقدیم نماید در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌توانند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست راخذ و به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم نمایند و در این صورت اداره ثبت اسناد و املاک بدون توجه به اعتراض عملیات ثبت را ادامه خواهد داد
تجدید حدود مذکور با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت اسناد بعداً به عمل خواهد آمد و مورد واخواهی نسبت به حدود و حقوق ارتقائی مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت ۳۰ روز از تاریخ تجدید حدود می‌باشد این آگهی در دو نوبت به فاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۲/۱

۵/۴۴/م الف

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک داراب احمد انتظار

**آگهی تغییرات شرکت سینود پیش صفا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۵۳۰۴۱۰۹۶۴ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۴۱۰۹۶۴**
به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۹۴/۱۰/۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

اسداله صفائی به سمت **رئیس هیأت مدیره**
الهام صفائی به سمت **نایب رئیس هیأت مدیره**
حامد صفائی به سمت **مدیرعامل و عضو هیأت مدیره**
کلیه اوراق و اسناد رسمی و بیدار و بانکی و تعهدآور و قراردادهای با امضاء اسداله صفائی همراه با مهر شرکت و نامه‌های عادی و اداری با امضاء اسداله صفائی یا حامد صفائی یا مهر شرکت معتبر می‌باشد.

با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء، انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیگ شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی می‌باشد.

۲/۷۴۵۵/م الف

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری شیراز

### آگهی حصر وراثت

افسانه صنیع دارای شناسنامه شماره ۷۳۷۵ متولد داراب به شرح دادخواست به کلاسه ۵/۹۴/۲۱۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زهرا بانو تمدن‌دار به شماره شناسنامه ۳۵۳۵ در تاریخ ۷۵/۱۱/۸ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و وراثت حین‌الفوت آن مرحوم عبارتند از:

۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر
۲- زهرا بانو تمدن‌دار به شماره شناسنامه ۱۵۳ صادره از حوزه داراب عیال دائمی متوفی
۳- جیران صنیع به شماره شناسنامه ۴۲ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۴- نوری جان صنیع به شماره شناسنامه ۱۴۴ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۵- مرجان صنیع به شماره شناسنامه ۱۷۸ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۶- بی‌بی جان صنیع به شماره شناسنامه ۱۲۷ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۷- شهبلا صنیع به شماره شناسنامه ۳۵۴ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۸- فرزانه صنیع به شماره شناسنامه ۱۵۳ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۹- صدیقه صنیع به شماره شناسنامه ۵۴ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۱۰- جمیله صنیع به شماره شناسنامه ۶۳ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۱۱- زهرا صنیع به شماره شناسنامه ۱۰۱۸۵ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۱۲- ابوالفضل صنیع به شماره شناسنامه ۱۷۳ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۱۳- مجید صنیع به شماره شناسنامه ۴۵۱ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه تقدیم نمایند بدیهی است پس از انقضائ مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
۵/۹۸/م الف

رئیس شورای حل اختلاف شعبه پنجم داراب بهرام ابراری

### آگهی احضار متهم

نظر به اینکه متهم امید ساقی در پرونده کلاسه ۲۰/۹۴/۱۰۸۸ ب از سوی این دادسرا به اتهام خیانت در امانت یک دستگاه خودرو پراید به شماره ۹۲۸ ج ۲۸ ایران ۴۹ موضوع شکایت علی ترابی تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت وی معیوب نگردیده بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۹۳ مراتب به نامبرده ابلاغ تا ظرف یک ماه پس از درج در روزنامه در صورت عدم پاسخگویی و عدم و ابلاغ احضاریه به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد.
۲/۷۵۷۲/م الف

بازپرس شعبه ۲۰ دادرسی عمومی و انقلاب شیراز
غلامرضا محمدی

**آگهی اخطار به دفتر خانه رسمی ثبت ازدواج و طلاق جهت اجرای حکم دادگاه**
در اجرای دادنامه شماره ۹۴۰۹۶۸-۷۰۳۹۰-۹۴۰۹۹۷۰ مورخ ۹۴/۷/۳۰ صادره از شعبه ۷ دادگاه خانواده شیراز به اردلان مهدوی فرزند حسنعلی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی جهت ثبت و اجرای صیغه طلاق و مطلق نمودن سیمیه رنجبچر به نشانی این دفترخانه واقع در شیراز ملاصدرا خیابان شهید جمالی ساختمان یاشیل طبقه سوم واحد ۵ مراجعه نمایند در صورت عدم حضور نسبت به ثبت طلاق غیابی اقدام خواهد شد.
۲/۷۵۷۸/م الف

سردفتر رسمی ثبت طلاق شماره ۵ شیراز
علی‌محمد مرادی مقدم

## ثبتی و دادگستری

### آگهی حصر وراثت

افسانه صنیع دارای شناسنامه شماره ۷۳۷۵ متولد داراب به شرح دادخواست به کلاسه ۵/۹۴/۲۱۴ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زهرا بانو تمدن‌دار به شماره شناسنامه ۳۵۳۵ در تاریخ ۹۴/۹/۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و وراثت حین‌الفوت آن مرحومه عبارتند از:

۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر فرزند متوفی
۲- نوری جان صنیع به شماره شناسنامه ۱۴۴ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۳- مرجان صنیع به شماره شناسنامه ۱۷۸ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۴- بی‌بی صنیع به شماره شناسنامه ۱۲۷ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۵- شهبلا صنیع به شماره شناسنامه ۳۵۴ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۶- فرزانه صنیع به شماره شناسنامه ۱۵۳ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۷- صدیقه صنیع به شماره شناسنامه ۵۴ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۸- جیران صنیع به شماره شناسنامه ۴۲ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۹- جمیله صنیع به شماره شناسنامه ۶۳ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۱۰- زهرا صنیع به شماره شناسنامه ۱۰۱۸۵ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
۱۱- ابوالفضل صنیع به شماره شناسنامه ۱۷۳ صادره از حوزه داراب فرزند متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفیه نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه تقدیم نمایند بدیهی است پس از انقضائ مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
۵/۹۷/م الف

رئیس شورای حل اختلاف شعبه پنجم داراب بهرام ابراری

### آگهی احضار متهم

نظر به اینکه کریم لژدی فرزند خداخوانسته به اتهام ایراد ضرب عمدی موضوع شکایت مریم اژدهاکش از طرف این دادسرا تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت ایشان میبوسر نگردیده بدینوسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا پس از درج آگهی در شعبه ۶ دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شیراز به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد پس از انقضائ یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی به موجب مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مذکور تصمیم غیابی اتخاذ می‌گردد.
۲/۷۵۷۱/م الف

دادیار شعبه ۶ دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۱ شیراز
صلح جویان

## آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۴۱۰۱۴ شعبه ۱۵ دایاری دادرسی ناحیه یک شیراز ۱- علیرضا گودرزی فرزند محمدعلی ۲- غلامرضا گودرزی فرزند محمدعلی به موجب شکایت سید پوریا وداعی به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی و توهین تحت تعقیب قرار دارند با توجه به معلوم نبودن محل اقامت ایشان و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به ایشان طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و متهمین ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شوند پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

۲/۷۵۷۲/م الف

دادیار شعبه ۱۵ دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۱ شیراز رنجبزراد

## آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۳۱۴۶۶ شعبه ۱۹ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب شیراز سعید لطفی فر زند علی به وجب شکایت ابوالقاسم پیرویان به اتهام سرقت دو فقره چک و چهل سند عادی و استفاده از سند عادی مجعول تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به وی طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و متهم ظرف یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

۲/۷۵۷۰/م الف

بازپرس شعبه ۱۹ دادرسی عمومی و انقلاب شیراز حسن قاید

### آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۳۱۴۶۶ شعبه ۱۹ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب شیراز سعید لطفی فر زند علی به وجب شکایت ابوالقاسم پیرویان به اتهام سرقت دو فقره چک و چهل سند عادی و استفاده از سند عادی مجعول تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به وی طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و متهم ظرف یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

۲/۷۵۷۰/م الف

بازپرس شعبه ۱۹ دادرسی عمومی و انقلاب شیراز حسن قاید